

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکار پامیر

۱۷.۰۲.۱۰

پنهانکاریهای کرزی راه به کجا خواهد بُرد؟

مردم شریف افغانستان در تاریخ معاصر کشور و به خصوص در سالهای سلطنت ظاهر شاه و بعداً سردار محمد داوود، شاهد مخفی کاری، ملت ستیزی و سیاست های عمدتاً پنهان (داخلی و خارجی) حکومت ها بودند و چون ماهیت ضد ملی رژیم های آنزمان برای شان آشکار شده بود، بنابراین، دیگر چندان انتظاری هم از مقامات دولتی نداشتند تا سیاست ها، برنامه ها، گفت و گو ها و مراودات خارجی خود شان را برای ملت فاش سازند و یا از مردم افغانستان در موارد کشوری مشوره بخواهند. و اما، پس از راندن داره (دهاره)ی طالبان از امارت قرون وسطائی شان توسط نیرو های امریکائی در سال ۲۰۰۱م، آوردن حامد کرزی از خارج، آنهم با دُهل و سُرناي تبلیغاتی مبنی بر بازسازی و دموکراسی خواهی برای افغانستان که گوشها را کرساخت، عذاب کشیدگان و ستم دیدگان این سرزمین تا حدودی به این موضوع دل خوش کردند که گویا من بعد خواهند توانست سهمی در امور کشور و یا روند تعیین سرنوشت آینده شان داشته باشند. و یا لا اقل از اقدامات و اجراءات اولیای امور مملکت خویش مطلع خواهند بود. اما، دیری نپائید که این بخش از انتظارات شان نیز به یأس و نومیدی مبدل شد و بسیار زود فهمیدند که آنهمه حرفها و وعده ها، ژست ها و تحرکات به اصطلاح جامعه جهانی، کاملاً ظاهری، فریبکارانه و حتا غدارانه بود. برجسته ترین نمونه این آزمون، اقدامات، طرح ها و تلاشهای پنهانکارانه، شک برانگیز و ضد ملی رئیس جمهور کرزی است که به خصوص از چند ماه به اینسو در عقب پرده و میان حلقه کوچکی از همکاران فکری یا قومی و زبانی وی جریان دارد.

مردم ما به یاد دارند که ممالک غربی به رهبری ایالات متحده امریکا در اول، با موجی از تبلیغات ضد القاعده و طالبان وارد افغانستان شدند و موازی به آن، مطبوعات حکومتی تحت کنترل حامد کرزی نیز آنها را دشمنان صلح و دشمنان افغانستان میخواند. چنانکه شخص کرزی هم طی سخنان خویش گروه مذکور را به خاطر به راه اندازی انفجارات خونین و ویرانگری های وحشت بار شان، دشمنان افغانستان میگفت، ولی کرزی امروز چه میگوید و حامیان خارجی او در این گیرودار چه میخوانند و چه میکنند؟

آخر، بیگانگان بی مروت و استعمارگران بی رحم جهان چه بازیها و غداریهائی نیست که در حق ملت‌های کوچک انجام میدهند و دست نشاندگان نا جوانمرد آنان چه دروغها و جانکنی های زیوانه ای نیست که در خدمت اربابان شان به عمل نمی آورند؟ به همین سلسله، دیدیم که این قدرت های استعماری و نوکران داخلی شان دیروز در مورد طالبان جاهل پیشه چه می گفتند و امروز چه میگویند؟

بلی! از مدتی بود که حامد کرزی، ملا عمر را " برادر" و طالبان را " بچه های افغان" خطاب میکرد و زمزمه "طالبان تند رو" و "طالبان میانه رو" را سرداده بود. وی به مطبوعات کابل نیز دستور صادر کرده بود تا بیشتر از آن، طالبان را به نام تروریست ها، دشمنان مردم افغانستان و یا دست پروردگان اجنبی یاد نکنند. باز، از چندی پیش، شیپور "مذاکره با طالبان" را به صدا در آورد وحتا به صورت خاموشانه و چپ از انظار و افکار عامه، این مذاکرات را در بیرون خاک افغانستان آغاز هم کرد. کرزی، با این اقدامات یک جانبه و ظاهراً افغانی و "مستقلانه" اکتفاء نکرده از شاه عبدالله پادشاه عربستان سعودی تقاضا به عمل آورد تا میان او و رهبران طالبان میانجیگری کند.

یوقانه اینهمه مخفی کاریهای کرزی و رهبران غربی وی وقتی ترکید که در کنفرانس لندن که آنهم به پیشنهاد صدراعظم انگلستان دایر گردید، معلوم شد که منظور اصلی از این کنفرانس عبارت از معامله ضد ملی با داره طالبان بوده است. مردم جهان و به خصوص مردم نجیب افغانستان دیدند و درک کردند که آنهمه حرفها، تلاشها و تپیدنهای کرزی، "افغانی" و "مستقلانه" نبود، بلکه رهبران کشور های غربی، مخصوصاً رهبران انگلیس به وی دیکته کرده بودند تا اولاً از سوی خودش و با زبان خودش این زمزمه ها را به گوش مردم افغانستان و جهان برساند تا طوری جلوه کند که گویا این، جانب افغانی یا دولت افغانستان است که به خاطر انجام مذاکره با طالبان انفجاری پافشاری دارد، نه قدرتهای خارجی. چنانکه حتا پادشاه عربستان که ملیونها دالر و دینار را در راه طالب سازی به مصرف رسانیده و هنوز هم میرساند، از کرزی خواست تا رسماً از او به خاطر مذاکره با طالبان کمک بخواهد تا روکشی باشد در برابر جنایات نا بخشودنی آنها در قبال ملت افغانستان.

بلی! کرزی نه تنها در جریان کنفرانس لندن چنین تقاضائی را از شاه عبدالله به عمل آورد، بلکه طبق دستور (بالائی ها)، به عنوان یک رییس جمهور شکست خورده، مطیع و محتاج، با شتابی بی سابقه رهسپار دربار شاه عبدالله در ریاض شد و بار دگر غرور، ارزش و اهمیت ملت افغانستان را به زمین زد. حال، اگر از این همه زبونی ها و غرورشکنی های چنین یک رئیس جمهوری بگذریم، این سوال مطرح میشود که حامد کرزی اصلاً چرا و به خاطر چه همچو زبونی های دور از شأن یک رئیس جمهور را به نمایش میگذارد؟ چند دلیلی را که روشن تر از سایر دلایل هستند، در اینجا تذکر میدهم:

قومی سازی دولت آینده افغانستان در همناوی با حکومت پاکستان. تلاش در راه ایجاد پشتیبانیه مسلح قومی به منظور مقابله با خصومت های احتمالی رقبای سیاسی داخلی و بقای بیشتر حاکمیت شخصی و خانوادگی.

همسویی با سیاست های زور گویانه، تفرقه افکنانه و هژمونی خواهی منطقه یی پاکستان و پذیرش دخالت های ویرانگرانه آن کشور در امور افغانستان.

اثرگذاری سیاست های استعماری در منطقه و احتمال دگر گونی های جغرافیایی و ژئوپولیتیکی در این بخش از آسیا در آینده های نسبتاً دور.

موجودیت برنامه های خرابکارانه و دراز مدت امریکا و انگلیس در اطراف آسیای میانه و تمهید برای ایجاد وسیله در راه رسیدن به هدف های تعیین شده.

علاوه از موجودیت نکات و اهدافی که تذکر داده شد، طرح و تذکر این سوال ها نیز در میان است که اگر قرار باشد در نتیجه میانجیگری رژیم شاهی عربستان ، رهبران تروریسم حاضر شوند با مقامات کابل بالای میز مذاکره و تبانی و تفاهم بنشینند، دیگر این موضوع، بیشتر از پیش روشن خواهد شد که قلاده طالبان سخت در دست دولت عربستان سعودی بوده تروریستها نه تنها مورد حمایت کامل رژیم شاهی عربستان هستند، بلکه پلان جنگ و تباهی را هم از همان مرجع حاصل مینمایند. پس، جهان یکبار دیگر خواهد فهمید که رژیم شاهی مذکور از این ناحیه، در برابر ملت غمخیزه افغانستان و خون های ریخته شده در این سر زمین مسؤول میباشد.

مقامات نظامی پاکستان مانند پرویز مشرف، جنرال حمید گل سابق رئیس آی. اس. آی، اشفاق کیانی و سایرین نیز چندی قبل با صراحت اظهار داشتند که آنها رابطه تنگاتنگ و دایمی با رهبران طالبان دارند و حتا متذکر شدند که امریکا باید از طریق حکومت پاکستان با طالبان در تماس شود. معنی این سخن یکبار دیگر ثابت میسازد که نه تنها رژیم شاهی سعودی ، بلکه مقامات نظامی پاکستان هم در فعالیتهای تروریستی طالبان و القاعده در افغانستان دست قوی داشته رهبران این گروه هنوز مورد حمایت کامل آنها هستند. دو کشور مذکور در حقیقت و به صورت مخفی از طرف مقامات انگلیسی رهبری و رهنمایی میشوند که اگر تحرکات طالب دوستانه و اسرار آمیز نیرو های انگلیسی در هلمند افغانستان و همچنان، پیشنهاد کنفرانس لندن و اظهارات و اشارات سران حکومت مذکور را در نظر گیریم، چنین استنباط میشود که انگلیسها هنوز هم مشغول حمایت از تروریسم طالبی و تعصبات مذهبی آنان بوده هر سه کشور متذکره در واقع، مثلث حامیان تروریسم منطقه یی را تشکیل میدهند.

آنکس است اهل بشارت که اشارت داند نکته ها هست بسی ، محرم اسرار کجاست؟

پس همین ها اند که سعی میکنند هم امریکا و هم اسرائیل را با خود موافق ساخته در یک همکاری نزدیک و مشترک، آنچه در نظر دارند، علیه منافع ملی و سلامتی قومی و فرهنگی مردم افغانستان انجام دهند. گزارشاتی که اخیراً به بیرون درز کرده اند، منابع جاسوسی اسرائیل در سالهای اخیر، دست درازی در امور افغانستان حاصل کرده اند. اگر به راه اندازی سر و صدا های مثلاً مبنی بر "شناسایی قبیله گم شده یهودی در میان پشتون ها" و به راه اندازی به اصطلاح تحقیقات بیشتر و حتا آزمایشات دی. ان . ای و غیره در این مورد را مد نظر گیریم که در چنین لحظات حساس صورت می گیرد، ترفند های استعماری پیرامون اوضاع افغانستان ، بر گرداندن گروه طالبان به حاکمیت سیاسی و قومی سازی دولت و غیره کاملاً بر ملا میگردد. (با این بد طینتان نسبت کجا باشد عدالت را ؟)

با این تذکر فشرده، آیا دیگر شک و تردیدی در دروغگویی و فریبکاری پیمان ناتو و "جامعه جهانی" باقی خواهد ماند که علی رغم برخورد داری از همه گونه پیشرفت های مالی و علمی و نظامی و . . . باز هم، پس از هشت سال به اصطلاح لافیدن و جنگیدن در برابر مشتی از افراد انتحاری و انفجاری، از شکست و ناکامی خویش سخن به میان می آورند؟ آیا مردم افغانستان حق ندارند این جامعه جهانی و دلقک های داخلی آنها را اشغالگران، فریبکاران و دشمنان اصلی و جهانی خویش بدانند؟ آیا مقامات دامن دراز و چلتار پوش آل سعود میتوانند بگویند که دشمنان آزادی و استقلال و ارزشهای تاریخی و فرهنگی ملت افغانستان نیستند؟ این چه درامه ننگین تاریخی است که با ایجاد، تقویت ، حمایت و بر گرداندن داره ضد علم و تمدن (طالبان) علیه ارزش های علمی و بشری در کشور عزیز ما به راه انداخته اند؟ آیا کرزی خواهد توانست آنچه دویدن ها به دربار آل سعود و خمیدن های زیوانه اش به حضور شاه عبدالله را نزد ملت افغانستان توجیه نماید؟ آیا دیگر، گوردون براون ها ، اوباما ها ، کیانی ها ، زرداری

ها و دیگران، ارزش و اهمیتی نزد مردم خودشان و مردم جهان خواهند داشت؟ آیا این شعبده بازان رسوا با حمایت شان از طالبان و برگرداندن قاتلان، تمدن ستیزان و دهشت افگنان را به قدرت سیاسی، آنهم در کشوری که هزاران زخم خونین از دست نا پاک آنان بر پیکر علیل خود دارد، داغ ننگ و شرم ابدی را بر جبین خویش حک نمیکنند؟

از پرده کار زهد فروشان برون فتاد

روزیکه پا به دایره امتحان زدند.

آری! کشور هائی که تا دیروز حرف از آزادی و دلسوزی و باز سازی و دموکراسی برای مردم ما می زدند، امروز مشغول طرح توطئه و غدر و جفا به حق همین مردم بینوای ما هستند. ولی با اینهمه ، ضرب المثلی داریم که میگوید : بار کج به منزل نمی رسد. ما یقین داریم هر که تاحال خواسته به حق ملت مظلوم ما جفاء کند، به لنجزار بدنامی و رسوائی سر نگون شده است . ما یقین داریم که با وجود همه گونه توطئه و فریبکاری و جفاء، عاقبت ، سنگی را که دشمنان بلند کرده اند، به پشت پای خود شان خواهد افتید.

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی این ره که تو می روی به ترکستان است .

پایان